

ادب نامی برای تمام خوبی‌ها-ج ۲

پناهیان: ادب یعنی کنترل احساسات/«احساسات کنترل نشده» مثل انفجار مخرب اتمی و «احساسات کنترل شده» مثل نیروگاه اتمی است/ اگر مادر احساساتش را کنترل کند، بزرگترین استاد برای فرزند خواهد بود/ اگر بچه‌ای با ادب بود، یقین کنید مادرش با ادب است/«مجالس روضه زنانه» خیلی مهم است و آثار فراوانی در تربیت فرزندان دارد

حجت الاسلام پناهیان در ایام فاطمیه اول و دوم در حسینیه آیت الله حق شناس، ده جلسه با موضوع «**ادب؛ نامی برای تمام خوبی‌ها**» سخنرانی کرده است. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **دومین جلسه** را می‌خوانید:

اگر نفس رها شود، میل به بی‌ادبی دارد / لذا انسان باید نفس خود را به ادب وادار کند

- کلمه ادب، نامی برای همه خوبی‌هاست، در بسیاری از مواقف، از کلمه ادب به گونه‌ای استفاده شده است که نه تنها ادب در رابطه بین انسان با دیگران تعریف می‌شود، بلکه در رابطه بین انسان و خدا نیز قابل تصور است، و حتی در زندگی فردی و رابطه شخص با خودش هم مفهوم ادب قابل تصور و قابل تحقق است.
- وظیفه‌ای که به عهده ماست، این است که ادب را برای خودمان به دست بیاوریم. نفس انسان به گونه‌ای است که اگر رهایش کنید، میل به بی‌ادبی دارد، لذا انسان باید نفس خودش را به ادب وادار کند. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «نفس انسان به بی‌ادبی علاقه دارد(یک کشتی به بی‌ادبی دارد)؛ **النَّفْسُ مَجْبُولَةٌ عَلَى سُوءِ الْأَدَبِ**؛ و عبد مأمور است که یک تلاومی در التزامش به ادب داشته باشد؛ **وَالْعَبْدُ مَأْمُورٌ بِمَلَامَةِ حُسْنِ الْأَدَبِ**؛ وقتی انسان خودش را به رعایت ادب وادار کند، نفس انسان مدام مخالفت می‌کند (لذا یک درگیری دائمی با نفس ایجاد می‌شود)؛ **وَالنَّفْسُ تَجْرَى بِطَبْعِهَا فِي مَيْدَانِ الْمُخَالَفَةِ**؛ و عبد باید مدام با نفس خودش درگیر باشد تا خواسته‌های بدی که نفس دارد را کنار بزند؛ **وَالْعَبْدُ يَجْهَدُ بِرَدِّهَا عَنْ سُوءِ الْمَطَالَبَةِ**؛ وقتی انسان عنان نفس خود را رها کرد(چون نفس دوست دارد بی‌ادبی کند) انسان در فساد نفس خود شریک خواهد بود: **فَمَتَى أَلْقَى عِبَانَهَا فَهُوَ شَرِيكٌ فِي فِسَادِهَا**؛ و هر کسی نفس را در رسیدن به خواسته‌های نفس (هوای نفس) کمک کرد، او در واقع در قتل نفس خود شریک شده است؛ **وَمَنْ أَعَانَ نَفْسَهُ فِي هَوَى نَفْسِهِ فَقَدْ أَشْرَكَ نَفْسَهُ فِي قَتْلِ نَفْسِهِ**«مستدرک الوسائل/۱۷/۱۳۸»

ادب موجب پنهان ماندن احساسات خوب و بد انسان می‌شود/ چرا توجه به ادب، در برخورد با فرهنگ منحط غرب اهمیت دارد؟

- حالا می‌خواهیم تعریفی از ادب ارائه دهیم تا معلوم شود که چرا توجه به مفهوم ادب -خصوصاً امروز در فرهنگ جاری زمانه ما- در برخورد با فرهنگ منحط غرب، خیلی اهمیت دارد؟
- ادب یک خاصیتی دارد که موجب پنهان ماندن احساسات انسان می‌شود؛ هم احساسات خوب و هم احساسات بد. مثلاً اینکه ادب به شما می‌گوید «اگر کسی را دوست داشتی، زیاد ابراز نکن» یعنی از اینکه بگویی «دوست دارم» حیا می‌کنی. ادب می‌گوید: فعلاً برای ابراز محبت، یک لبخند بزن؛ همین کافی است. یعنی فقط یک حداقلی از محبت خودت را ابراز کن. ادب موجب می‌شود که اگر از کسی متنفر شدی، آن را ابراز نکنی. یا فقط یک حداقلی از تنفر خودت را ابراز کنی.

فرهنگ غرب، یعنی فرهنگ بی‌ادبی / غربی‌ها سال‌ها برای از بین بردن ادب، سرمایه‌گذاری کرده‌اند

- چرا ما فرهنگ غرب را فرهنگ بدی می‌دانیم؟ چون به انسان می‌گوید: «رها باش؛ ادب را رعایت نکن» اصلاً فرهنگ غرب، یعنی فرهنگ بی‌ادبی. جالب اینجاست؛ با اینکه خمیرمایه فرهنگ غرب، بی‌ادبی است، آنها هیچ‌وقت نتوانسته‌اند زیبایی ادب را از بین ببرند. یعنی با اینکه آنها در جهت به انحطاط کشاندن انسان‌ها، سال‌ها برای از بین بردن ادب، سرمایه‌گذاری کرده‌اند ولی هنوز هم ادب در نگاه مردم، زیباست. ببینید فطرت انسان چه قدرتی دارد که علی‌رغم این همه تلاش برای از بین بردن ادب، باز هم ادب برایش زیباست.

یکی از موارد رایج در فیلم‌های غربی، ناسزا گفتن است/ ضرب‌المثلی ژاپنی‌ها درباره بی‌ادبی آمریکایی‌ها

- یکی از قسمت‌هایی که در فیلم‌های سینمایی دنیا رایج است، ناسزا گفتن است که در تلویزیون جمهوری اسلامی معمولاً این قسمت‌ها حذف می‌شود. اگر به فیلمساز بگویید: «این ناسزاها در فیلم، زشت است» او می‌گوید: «بالاخره من باید نشان بدهم که او چقدر تحت تأثیر احساسات خودش قرار گرفته است، و او باید هیجان خودش را به مخاطب فیلم، منتقل کند، لذا چاره‌ای نداریم جز اینکه از ناسزاها استفاده کنیم!» در حالی که فیلمساز می‌تواند به جای استفاده از ناسزا، مثلاً با یک اخمی که شخصیت داستان با ابرویش می‌کند، احساسات او را به مخاطب منتقل کند؛ البته این کار نیاز به هنر دارد که هر فیلمسازی این هنر را ندارد.
- از سوی دیگر، در این فیلم‌ها از صحنه‌های عشق‌بازی هم برای نشان دادن احساسات، استفاده می‌کنند، در حالی که می‌شود به جای ابراز احساسات به آن صورت مبتذل، با یک لبخند، یک تأمل و یا با یک نگاه گشاده‌تر، همان احساسات عمیق را به مخاطب منتقل کرد. یعنی می‌شود خیلی وزین فیلم ساخت، ولی انسان دوست دارد رها باشد و هر چیزی در پیش روی او قرار دارد، کنار بزند، این یک خصلت اساسی در انسان است؛ کمالینکه **خداوند می‌فرماید: «لَبَّ يُرِيدُ الْإِنْسَانَ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ»(قیامه/۵)**
- می‌گویند ژاپنی‌ها در مقام تقبیح آمریکایی‌ها، این ضرب‌المثل را به کار می‌برند: «قورباغه را نگاه کن که دهانش را آن قدر باز کرده است که زبان کوچکش هم پیدا است!» چون ژاپنی‌ها زیاد اهل ابراز احساسات نیستند و خودشان را خیلی کنترل می‌کنند. مثلاً اگر کسی را خیلی دوست داشته باشند، فقط یک یا چندبار پیش او خم می‌شوند ولی بیش از این حد، ابراز احساسات نمی‌کنند. البته شاید ما این مقدار کنترل در ابراز احساسات را نپسندیم، کمالینکه در روایت هست: اگر به کسی(برادر دینی خود) علاقه دارید، این را به او بگویید(رسول الله ص: **إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ صَاحِبَهُ أَوْ أَخَاهُ فَلْيَلِمَهُ؛ مِيزَانُ الْحِكْمَةِ/حَدِيثُ ۲۱۱ و امام صادق(ع): إِذَا أَحْبَبْتَ رَجُلًا فَأَخْبِرْهُ؛ هَمَانُ/حَدِيثُ ۲۱۲**)

ادب یعنی کنترل احساسات/ «احساسات کنترل نشده» مثل انفجار مخرب اتمی و «احساسات کنترل شده» مثل نیروگاه اتمی است

- **ادب موجب مخفی ماندن احساسات انسان می‌شود و این خیلی رشددهنده است. ادب یعنی کنترل کردن احساسات. ولی آیا خوب است که ما احساسات خودمان را کنترل کنیم؟ بله، چون احساسات کنترل نشده مثل انفجار اتمی است، همه‌جا را نابود می‌کند. ولی احساسات کنترل شده مثل این است که همین انفجارات اتمی را در یک نیروگاه تحت کنترل در بیاوریم و از آن برق تولید کنیم. احساسات کنترل شده موجب رشد انسان می‌شود، موجب قدرت و انرژی می‌شود. ولی احساسات کنترل نشده موجب ضعف انسان می‌شود.**

- البته دایره کنترل احساسات، خیلی دایره گسترده‌ای است. مثلاً **امیرالمؤمنین(ع)** می‌فرماید: **سینة انسان عاقل صندوق اسرار اوست(صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ سِرِّهِ؛ غررالحکم/۷۴۱۶)** یکی از چیزهایی که باید یاد بگیریم این است که خداوند یک‌سری حرف‌ها را به ما یاد می‌دهد برای اینکه اصلاً به کسی نگوییم؛ مثلاً خدا عیب یک کسی را به ما نشان می‌دهد تا ببیند که آیا ما می‌توانیم خودمان را کنترل کنیم و عیب او را به کسی نگوییم؟

یک معنای ادب، توداری و رازداری است/ توداری ما برای خدا خیلی مهم است/ ابراز احساسات زیاد مادر به بچه بالای هفت سال اثر مخرب دارد

- اگر کسی رنج یک بیماری را تحمل کند ولی به دیگران نگوید و شکایت نکند که من دارم فلان رنج را می‌کشم، برایش ثواب بسیار زیادی نوشته می‌شود.(رسول خدا ص : کسی که یک شبانه روز بیمار شود و به عیادت کنندگان خود شکوه نکند، خداوند در روز قیامت او را با خلیل خود، ابراهیم خلیل الرحمن، برانگیزد تا همچون برق جهان از صراط بگذرد؛ مَنْ مَرَضَ یَوْمًا وَ لَیْلَةً فَلَمْ یَشْکُ إِلَىٰ عُوَادِهِ یَتَهُ اللَّهُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ مَعَ خَلِیلِهِ اِبْرَاهِیمَ خَلِیلِ الرَّحْمَنِ، حَتَّى یَجُوزَ الصِّرَاطَ کَالْبَرْقِ اللَّامِعِ؛ امالی صدوق/۴۳۱) البته درددل کردن همیشه بد نیست ولی در بسیاری از موارد بهتر است انسان خودداری کند و از مشکلات و گرفتاری‌های زندگی‌اش پیش دیگران شکایت نکند. چون توداری ما(اسرار خود را به دیگران گفتن) برای خدا خیلی مهم است. رسول خدا(ص) فرمودند: از گنج های نیکی، پنهان داشتن مصیبت‌ها و بیماری‌ها و صدقه است؛ مِنْ کُنُوزِ الْبِرِّ کِیْمَانُ الْمَصَابِیْ وَ الْأَمْرَاضِ وَ الصَّدَقَةِ«(الدعوات/۱۶۷) امیرالمؤمنین نیز در روایت مشابهی فرمودند: از گنج‌های نیکی و خوبی، پنهان داشتن عمل و صبر کردن بر مصائب و نهان داشتن مصائب است؛ مِنْ کُنُوزِ الْبِرِّ إِخْفَاءُ الْعَمَلِ وَ الصَّبْرُ عَلَى الرَّزَايَا وَ کِیْمَانُ الْمَصَابِیْ؛ (عیون اخبار الرضا/۳۸/۲)
- یک معنای ادب، توداری است و یک معنای ادب، کنترل احساسات است. حتی گاهی اوقات این احساسات ممکن است احساسات خوبی هم باشند ولی باید کنترل شوند.
- مثلاً پدر و مادرها(خصوصاً مادرها) بعد از هفت سالگی فرزندشان، باید احساسات خود را نسبت به فرزندشان کنترل کنند. درست است که مادر، فرزندش را خیلی دوست دارد و می‌خواهد خیلی ابراز احساسات انجام دهد ولی نباید احساساتش را زیاد اظهار کند و نشان دهد. باید یک‌مقدار خشکی، سردی، نظم و قانون و منطق را وارد زندگی کند. نباید بگوید: بگذار بچه‌ام راحت باشد! اگر بخواهد این‌طوری با بچه برخورد کند، بعد از ۱۴ سالگی نتایج منفی این رفتارها دیده می‌شود و بچه هر کاری دلش خواست انجام می‌دهد و دیگر قابل کنترل نخواهد بود. چون در آن هفت سال(از ۷ تا ۱۴ سالگی) که باید بچه را مؤدب بار می‌آورد، او را مؤدب نکرده و گفته: «بگذار بچه‌ام راحت باشد» و خودش هم پیش او راحت بوده است.

مادر بیشتر از پدر، در ادب کردن فرزند مؤثر است/ «مجالس روضه زنانه» خیلی مهم است و آثار فراوانی در تربیت فرزندان دارد

- مادر بیشتر از پدر، در ادب کردن فرزند مؤثر است. مادر آن‌قدر بیشتر از پدر مؤثر است که شاید بتوان گفت: اگر مادر بچه را خوب تربیت کند، اثر پدر به حداقل می‌رسد و به صفر نزدیک می‌شود. و اگر مادر بچه را بد بار بیاورد، پدر تقریباً نمی‌تواند در خوب شدن بچه اثر بگذارد.
- یک آقای بود که برای روضه خواندن، به مجالس روضه زنانه می‌رفت ولی این کار خودش را کم‌ارزش تلقی می‌کرد. به ایشان گفتم: این کار را دست کم نگیرید، اصل جلسات روضه، همین جلسات روضه زنانه است. آن قدری که سفارش شده است محبت

- اهل‌بیت(ع) را به خانم‌ها منتقل کنید، درباره آقایان به این مقدار سفارش نشده است. لذا مجالس روضه زنانه را اصلاً دست‌کم نگیرید.
- مجالس روضه زنانه خیلی اهمیت دارد؛ باید این جلسات را در خانه‌های خودمان رونق دهیم-چرا که آثار و برکات فراوانی در زندگی و تربیت فرزندان ما خواهد داشت- بسیاری از ما باید از خودمان بپرسیم که چرا تا کنون حتی یک‌بار هم جلسه روضه زنانه در خانه خودمان برگزار نکرده‌ایم و چرا همسر و فرزندان خود را از برکات آن محروم کرده‌ایم؟

اثر تربیتی ابراز احساسات مادر نسبت به اهل‌بیت(ع) از هزار تا منبر بیشتر است

- خانم‌ها کلاً معنوی‌تر هستند، یک خانمی که اهل‌بیت(ع) را دوست دارد، هر چه در مجالس روضه زنانه بیشتر شرکت می‌کند و این محبتش را بیشتر ابراز می‌کند، طبیعتاً این محبت در او قوی‌تر می‌شود و بالندگی پیدا می‌کند. و وقتی محبت اهل‌بیت(ع) در قلب خانم‌ها تقویت شود، این محبت به بچه‌ها و نوه‌های آن خانم منتقل می‌شود و حتی بر آقای خانه هم اثر خواهد داشت.
- قدرتی که یک زن در ابراز احساسات دارد، مرد به هیچ‌وجه چنین قدرتی ندارد. وقتی که یک مادر، نسبت به اهل‌بیت(ع) ابراز احساسات می‌کند، بچه‌ها و نوه‌های این خانم، از این ابراز احساسات چنان درسی می‌گیرند که هزار تا منبر هم نمی‌تواند این کار را انجام دهد و چنین اثری ندارد. همه‌چیز که با کتاب و منطق و عقلائیست درست نمی‌شود! بگذارید بچه‌های شما مادرها و مادربزرگ‌های خودشان را ببینند که آنها چقدر برای امیرالمؤمنین(ع) ابراز احساسات می‌کنند و گریه می‌کنند. اگر آنها این موارد را زیاد ببینند، نتیجه می‌گیرند که امیرالمؤمنین(ع) خیلی دوست‌داشتنی است. چه چیزی می‌تواند در تربیت نسل‌های ما جای این را بگیرد؟! کدام درس اخلاق و کدام نماز جماعت و کدام قرائت قرآن، چنین اثری بر فرزندان ما دارد!؟
- ابراز احساسات مادر نسبت به امور دیگری مثل نماز هم خیلی بر فرزند اثر دارد. یک خانمی می‌گفت: من چکار کنم تا فرزندم نمازخوان بشود؟ خیلی اصرار دارم بچه‌ام نمازخوان باشد ولی گوش نمی‌دهد؛ به او گفتم: به‌جای اینکه به او اصرار کنی، عشق و محبت خودت به نماز را ابراز کن تا بچه هم این اظهار محبت شما به نماز را ببیند و به نماز علاقمند شود. مثلاً بگو: «وای، خسته شدم! بروم نماز بخوانم تا سر حال بیایم...» یا وقتی نماز را خواندی بگو: «اصلاً دلم نمی‌آید از پای سجاده بلند شوم» یعنی مدام نسبت به نماز، ابراز احساسات کن تا فرزند شما پیش خودش بگوید: «این نماز چیست که مادرم این‌قدر به آن علاقه دارد؟» و این اثر خودش را روی او خواهد گذاشت. یعنی به‌جای اینکه مدام فرزندت را موعظه و نصیحت کنی که «برو نماز بخوان!» عشق خودت را به نماز ابراز کن، این اثرش بیشتر است. ضمن اینکه بعضی‌ها این کار را انجام داده‌اند و روی بچه‌های‌شان مؤثر بوده است.

اگر بچه‌ای باادب بود، یقین کنید مادرش باادب است/ اگر مادر احساساتش را کنترل کند، بزرگترین استاد برای فرزند خواهد بود

- چرا مادر در تربیت و ادب کردن فرزند این‌قدر مؤثر است؟ چون مادر احساسات دارد (و قدرت او در ابراز احساسات خیلی بیشتر است) لذا اگر یک مادر توانست احساساتش را کنترل کند، آن‌وقت این بچه ادب را یاد می‌گیرد. مثلاً اگر یک مادر از دست همسرش ناراحت و عصبانی شد ولی احساسات خودش را کنترل کرد و سخن زشتی به زبان نیاورد و صدای خودش را بالا نبرد، این خوب‌شنوداری مادر اثر فوق‌العاده‌ای در ادب شدن فرزند دارد، چون بچه‌ها معنای این رفتارها را می‌فهمند و دقت دارند. اگر مادر توانست ابراز احساسات نکند، بچه هم یاد می‌گیرد. لذا اگر یک بچه‌ای باادب بود، یقین کنید که مادرش باادب است.

- چرا مادرها مؤثرترند؟ چون مادرها آتش فشان احساسات هستند، و اگر یک مادر بتواند احساسات خودش را کنترل کند، بزرگترین استاد برای فرزند خواهد بود. هیچ مدرسه و دانشگاهی و هیچ مکتب و حوزه علمیه‌ای نمی‌تواند به اندازه مادر روی بچه مؤثر باشد. مدارس اسلامی هم باید برنامه و نقشه خود را برای کمک به مادرها در تربیت فرزند، ارائه دهند و اینکه فقط یک مشورت‌هایی به مادرها بدهند، کافی نیست، باید درس‌هایی در این زمینه به مادرها داده شود.

دایرة ادب برای خانمها چقدر است؟

- حالا می‌خواهیم ببینیم دایرة ادب برای خانمها چقدر است؟ مثلاً اگر یک خانمی صدای خوبی داشته باشد-البته معمولاً صدای خانمها برای آقایان مطلوب است، منتها فرض کنید این خانم صدایش کمی بهتر است- اگر او صدای خودش را کنترل کند که زیاد ابراز نکند، یعنی مهربان صحبت نکند تا دل کسی را ببرد، همین مقدار کنترل صدا هم نامش ادب است. در واقع او دارد در حد انتقال صدا هم حجاب رعایت می‌کند. این سفارشی است که در قرآن کریم آمده است «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ» (احزاب/۳۲) منتها برخی از خانمها اتفاقاً صدای خودشان را نازکتر می‌کنند! این از مقوله ابراز احساساتی است که ادب جلوی آن را می‌گیرد.
- ادب یعنی کنترل کردن احساسات؛ چه احساسات مثبت و چه احساسات منفی. مادرها معمولاً فرصت‌های خیلی زیادی را در جهت تربیت فرزندان از دست می‌دهند. مثلاً اینکه وقتی عصبانی می‌شوند، سعی کنند عصبانیت خود را بروز ندهند، و وقتی احساساتی می‌شوند (چه احساسات منفی و چه مثبت) احساسات خود را کنترل کنند و بروز ندهند.

پسر بچه‌ها از همان اول دبستان بهتر است معلم آقا داشته باشند

- یک خانم باادب، کارش خیلی ارزشمندتر از یک آقای باادب است. چون کنترل کردن احساسات، برای آقایان یک مقدار راحت‌تر است و به همین دلیل اگر پسرهای دبستانی معلم آقا داشته باشند، معمولاً اثر بهتری در تربیت‌شان دارد. البته به شرطی که این معلم هم واقعاً آقا باشد! مثلاً اینکه نه خیلی زود بخندد و نه خیلی زود احم کند، او باید در کنترل کردن احساسات برای بچه‌ها واقعاً یک الگو باشد.
- متأسفانه روحیات برخی از مردها زیاد مردانه نیست. مثلاً یک آقای با خانمش دعوا کرده بود و وقتی دلیلش را پرسیدند، می‌گفت: «خانم مرا دوست ندارد!» یعنی یک روحیه دخترانه داشت. در حالی که این مرد است که باید به همسرش محبت کند، نه اینکه از همسرش زیاد توقع محبت داشته باشد.

بنا نیست خانمها همه احساسات خودشان را به‌طور مطلق، کنترل کنند/ اگر خانمها تنها درصدی از

احساسات خود را کنترل کنند، کار قهرمانانه‌ای انجام داده‌اند

- امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «کنترل کردن نفس (خودداری) در هنگام رغبت پیدا کردن و ترسیدن (تفر پیدا کردن) از بهترین ادبها است؛ ضَبُّ النَّفْسِ عِنْدَ الرَّغْبِ وَالرَّهْبِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَدَبِ» (غررالحکم/۴۸۰) البته نمی‌گوییم که مطلقاً باید همه احساسات خود را کنترل کرد؛ مخصوصاً درباره خانمها. مثلاً ما از یک خانم بیشتر انتظار داریم که اگر در یک مغازه‌ای یک کالایی را دید که قشنگ است، بگوید: «وای چه چیز قشنگی است...» یعنی ابراز احساسات و تعریف و تمجید کند. بالاخره ساختار روحی خانمها این‌طوری است و تا یک حدی هم برای خانمها اشکالی ندارد. بنا نیست خانمها همه احساسات خودشان را به‌طور مطلق، کنترل کنند، ولی اگر

تنها درصدی از احساسات خودشان را کنترل کنند، کار قهرمانانه‌ای انجام داده‌اند و استاد و اسوه ادب شده‌اند و این ادب به بچه‌ها هم منتقل می‌شود؛ اینجا جایگاه تربیت یا تأدیب فرزندان است.

خانمها کدام احساسات خود را نباید کنترل کنند و کدام احساسات خود را نباید ابراز کنند؟

- خانمها کدام احساسات خودشان را نباید کنترل کنند؟ محبت به اهل‌بیت(ع)، محبت به خدا و قرآن و عبادت و... این محبت‌ها را نه‌تنها نباید کنترل کنند، بلکه باید ابراز کنند. اما خانمها کدام احساسات خودشان را نباید ابراز کنند؟ در درجه اول «ناراحت شدن از شوهر» یا تفر از شوهر را نباید ابراز کنند. در حالی که خیلی اوقات، وقتی خانمها علیه شوهر خودشان ابراز احساسات منفی می‌کنند، آلفی است و آقایان نباید جدی بگیرند. حتی اگر ناسزا هم گفتند، شوهر نباید به دل بگیرد. ولی اگر خانمها بتوانند این احساسات منفی را کنترل کنند و ابراز نکنند، در درجه اول در رشد معنوی خودشان و سپس فرزندانشان فوق‌العاده تأثیرگذار است.
- امیرالمؤمنین (ع) می‌فرماید: «جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند؛ جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (نهج‌البلاغه / حکمت ۱۳۶) یعنی اگر یک خانم بتواند شوهر خودش را به‌خوبی تحمل کند، مجاهد فی سبیل الله است.

مهمترین احساساتی که یک خانم نباید بروز بدهد، «ناراحتی از شوهر» است/ همین رفتار خانم، بچه را

بادب بار می‌آورد

- مهمترین احساساتی که یک خانم نباید بروز بدهد، ناراحتی از دست شوهرش است. همین رفتار خانمها، بچه‌ها را باادب بار می‌آورد. متأسفانه برخی از خانمها آن قدر بی‌ظرفیت هستند که نمی‌توانند بدی‌های شوهر خودشان را تحمل کنند. بالاخره همه مردها یک بدی‌هایی دارند و این بدی‌ها بیش از هر جایی، پیش همسرشان لو می‌رود. خداوند هم به خانمها این سعه صدر را داده است که بتوانند بدی‌های شوهر خود را تحمل کنند و پنهان کنند. همان‌طور که یک دختر بدی‌های پدرش را پنهان می‌کند و یک مادر بدی‌های فرزندش را پنهان می‌کند، یک همسر هم باید بدی‌های شوهرش را پنهان کند.
- در درجه دوم، آن احساساتی که خانمها نباید بروز دهند احساساتشان در فضای عمومی و اجتماعی است، خصوصاً احساساتشان نسبت به دیگران و مردهای دیگر است. و این‌ها دقیقاً همان محورهایی است که در فیلم‌ها رعایت نمی‌شود!

ریشه فساد در خانواده، برخورد بد خانم با شوهرش است/ برخی سریال‌ها با از بین بردن بنیاد ادب، ریشه

فساد می‌شوند

- یک سریال طنزی نشان می‌داد که تگه کلام آن یا ترجیع‌بند آن، تحقیری بود که مرد سریال توسط همسرش می‌شد. یعنی یکی از نقاط مرکزی طنز سریال این بود که آن خانم مدام به شوهرش می‌گفت: «خاک بر سرت! ای دیوانه، ای بدبخت!» اثر منفی چنین سریال‌هایی حتی از سریال‌های مستهجن هم بیشتر است، یعنی این قبیل سریال‌ها، آدم‌ها را بیشتر فاسد می‌کنند چون ریشه فساد در خانواده، بد برخورد کردن زن‌ها با مردهاست. این کار، ازدواج پسرها را به تأخیر می‌اندازد، پسرها را به دنبال عشق‌های خیالی و آلفی می‌فرستد، برای دخترها نیز هزار تا بحران ایجاد می‌کند و بعد شما با هزار تا موعظه هم نمی‌توانید درستش کنید. همین رفتارها و برخوردهای مادر، ریشه بی‌حجابی دخترها می‌شود و دیگر با منبر و سخنرانی هم به راحتی نمی‌شود از این دخترها خواست که حجاب را رعایت کنند. لذا می‌توان گفت که این قبیل سریال‌ها، بنیاد ادب را در خانواده‌ها از بین می‌برد و دیگر با موعظه و نصیحت هم درست نمی‌شود.

- اگر یک خانم بتواند ابراز احساسات خود را کنترل کند، مثلاً برخوردش با فامیل فقیر و فامیل ثروتمند یکسان باشد، بچه‌های این خانم- چه دختر و چه پسر- واقعاً باادب بار می‌آیند. اگر این خانواده زشت‌ترین دختر را هم داشتند، حتماً او را برای پسر خودتان بگیرد که این دختر طلاست! چون یک مادری دارد که می‌تواند احساسات خود را کنترل کند. پسر این خانواده اگر فقیر هم بود و به خاستگاری دختر شما آمد، حتماً دخترتان را به او بدهید، چون پسر یک‌چنین مادری واقعاً باادب است.

حضرت ابوالفضل(ع) هم ادب فوق‌العاده‌اش را از مادرش ام‌البنین دارد

- وقتی بحث ادب پیش می‌آید نمی‌شود از ابوالفضل العباس(ع) چیزی نگفت. حضرت ابوالفضل(ع) هم این ادب فوق‌العاده‌اش را از مادرش ام‌البنین دارد. با اینکه امیرالمؤمنین(ع) خودش کهکشان ادب و معنویت بود، وقتی می‌خواست همسری انتخاب کند به برادرش عقیل فرمود: من یک خانمی می‌خواهم با این ویژگی‌ها... تا از او پسرنی داشته باشم...
• یک نمونه از ادب ام‌البنین را در این نقل قول می‌توان دید: یک روز ام‌البنین -که نام ایشان هم فاطمه بود- به امیرالمؤمنین(ع) فرمود: آقا جان، می‌شود دیگر مرا فاطمه صدا نزنید....

